

**صاحب نفس مطمئنه**

پنجشنبه گذشته، یازدهمین دوره از همایش‌های «با افلاکیان خاک نشین» با موضوع تجلیل از مقام علمی و عرفانی آیت‌الله العظمی بهجت (ره) برگزار شد...



پنجشنبه گذشته، یازدهمین دوره از همایش‌های «با افلاکیان خاک نشین» با موضوع تجلیل از مقام علمی و عرفانی آیت‌الله العظمی بهجت (ره) برگزار شد.

بانی این مراسم مؤسسه فرهنگی مطالعاتی شمس‌الشموس بود که از مدت‌ها قبل وعده برگزاری آن را داده بود. این همایش قرار بود در دوران حیات آیت‌الله بهجت برگزار شود که این اتفاق نیفتاد. گزارش زیر، مشروحي است از سخنان ایرادشده درباره مقام علمی و عرفانی آیت‌الله العظمی بهجت که توسط سخنرانان مراسم ایراد شد.

سالن همایش پر بود از مشتاقانی که برای شنیدن درباره عارف بزرگ، آیت‌الله بهجت آمده بودند؛ هرچند به اذعان همه خطیبان، مقام والای علمی و عرفانی او در زمان حیاتش و پس از مرگش، تا هنوز نیز ناشناخته مانده و زود است که بخواهیم چنین شخصیتی را که در عرفان اسلامی، مانند او نادر است، بشناسیم.

اولین کسی که در همایش، سخنرانی کرد، آیت‌الله محفوظی از یاران قدیمی آیت‌الله بهجت بود که نسبت به دیگر حاضران در جمع، مدت زمان بیشتری را با ایشان گذرانده بود. از نظر او آیت‌الله بهجت صاحب عرفان حقیقی بود. آیت‌الله محفوظی گفت: «#171؛ هنگامی که فردی به عرفان حقیقی دست پیدا می‌کند، پرده‌ها از جلوی چشم او کنار می‌رود.

مانع اصلی رسیدن به عرفان در همه انسان‌ها، حجاب است؛ حجاب‌هایی که خودمان برای خودمان به وجود می‌آوریم. علم، مقام و پول و دوستی با افرادی که تنها وقت انسان را می‌گیرند و او را به جایی نمی‌رسانند، همگی حجاب‌هایی هستند که مانع رسیدن به عرفان می‌شوند.

آیت‌الله بهجت توانسته بودند با توجه خاص به خالق و عبادت خالصانه او، پرده‌ها را کنار بزنند و صاحب سبک و سیره در عرفان اسلامی بشوند.

این مقام والا را ایشان خیلی زود و در دوران جوانی در زمانی که در نجف، شاگرد آیت‌الله قاضی طباطبایی بودند به دست آوردند؛ در حالی که بسیاری از همدرس‌های ایشان در چنین سنی نتوانسته بودند به این مقام برسند.

تنها کسانی مانند امام خمینی (ره) که خود در عرفان به مقامات عالی دست یافته‌اند می‌توانند شخصیت آیت‌الله بهجت را درک کنند. امام خمینی (ره) در مورد او به فرزندش حاج آقا مصطفی فرموده بودند که ایشان به مقامی رسیده است که موت اختیاری دارد.

روحانی جوانی که از 16 سالگی در محضر آیت‌الله بهجت بوده، یعنی حجت‌الاسلام روحی، سخنران بعدی مراسم بود. او گفت: «#171؛ استادی آیت‌الله بهجت تنها در وجه عرفانی و اخلاقی ایشان نبود؛ ایشان در فقه و اصول هم دارای مکتب و روش بود، لیکن اکثر توجهات بر بعد اخلاقی و عرفانی شخصیت ایشان متمرکز شده.

بسیاری از افرادی را که ما به‌عنوان عارف می‌شناسیم، عارف نیستند و افراد اخلاقی هستند که درصدد اصلاح درون خودشان برآمده‌اند. در مرتبه بالاتر، صاحبان کرامت هستند که در طریق عرفان‌اند؛ یعنی آنهایی که در عوالم مافوق طبیعی سیر می‌کنند و چشم برزخی دارند. اینها را هم به صرف داشتن چشم برزخی نمی‌توان عارف نامید زیرا هرکسی که توانست قدمی از عالم طبیعت بالاتر برود، ولو اینکه مسلمان متدین نباشد به چنین مرتبه‌ای می‌رسد. آیت‌الله بهجت چشم برزخی داشت اما همیشه به خاطرش استغفار می‌کرد.

هنگامی که ایشان با جمعی روبه‌رو می‌شدند، همیشه ذکر «#171؛ یا ستار» را با خودشان زمزمه می‌کردند و از خدا می‌خواستند شخصیت حقیقی افراد را بر ایشان بیوشانند. بنابراین آیت‌الله بهجت را به خاطر داشتن این ویژگی، ستودن و رسیدن به این مرتبه را دلیل بر عارف بودن ایشان دانستن، صحیح نیست؛ عارف کسی است که همواره با ذات خداوند و اسماء و صفات او در ارتباط است و همه جهان را به مثابه پرده و مانعی برای این ارتباط می‌بیند.

بعد از اسلام ما 4 هزار عارف داشته‌ایم که زندگینامه و سرگذشت همه آنها موجود است. در بین این افراد، عارفی مانند آیت‌الله بهجت بسیار کم پیدا می‌شود؛ در شناختن عرفا نباید به کرامات آنها توجه داشت بلکه اصل، بررسی صفات و کلمات آنهاست. از این حیث باید گفت آیت‌الله بهجت از بزرگ‌ترین عرفای اسلام و مذهب تشیع است.

برای شناختن و شناساندن شخصیت واقعی آیت‌الله بهجت، نه باید او را با علما و عرفای دیگر مقایسه کرد و نه اینکه مقامات عالی او را در عرفان و اخلاق و فقه بیان کرد بلکه باید او را مقابل حضرت محمد (ص) و امیر المؤمنین و حتی حضرت حق جل و علا قرار دهیم و شخصیت او را به‌عنوان آینه‌ای برای انعکاس صفات خداوند و ویژگی‌های آن دو بزرگوار بدانیم. «#171؛ در اثناي همایش ویدئویی از سخنرانی آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی در سالن پخش شد که حاوی سخنان ایشان خطاب به حاضران در همایش بود.

ایشان ویژگی «#171؛ اهل ذکر» را مورد توجه قرار دادند و درباره این ویژگی مسائلی را مطرح کردند: «#171؛ ذکر خدا گاهی به این است که بنده به یاد خدا باشد و گاهی به آن است که خداوند بنده‌اش را یاد کند. آیه شریف

&#171;#171;الا بذکرالله تطمئن القلوب&#171; ناظر به این معنی است که اگر بنده به یاد خدا باشد، دلش آرام می‌گیرد اما نه به طمأنینه کامل اما اگر خداوند به یاد بنده‌اش باشد، آن شخص صاحب &#171;#171;نفس مطمئنه&#171; می‌شود.

حقیقت این آیه براساس فرمایشاتی که امیرالمؤمنین درباره این آیه مبارک دارند، این است که دل، منحصر به یاد خدا آرام می‌گیرد اما یاد خدا ثمراتی دارد که تنها یکی از آنها طمأنینه است. یاد خداوند چشم انسان را بیناتر می‌کند و باعث می‌شود که او بتواند حقایق را بدون واسطه ببیند؛ یاد خدا گوش انسان را شنواتر می‌کند و با این گوش می‌شود ندهایی را که گوش ظاهر نمی‌تواند آنها را درک کند، شنید.

دل انسان نیز به برکت یاد خدا آباد می‌شود و اهل منادات و مناجات با پروردگار می‌شود. خداوند از درون دل اولیایش با آنها سخن می‌گوید. در هنگام مناجات، هیچ دلمشغولی‌ای به سراغ آنها نمی‌آید تا فکرشان را از جانب خدا منحرف کند. دنیا و همه آنچه در آن است برایشان بازیچه است و نمی‌تواند برایشان حجابی در برابر ارتباط با خدا باشد. یکی از اولیای راستین خداوند حضرت آیت‌الله العظمی بهجت است که سرّ باریابی او به این مقام والا، &#171;#171;اهل ذکر&#171; بودن اوست.

جریان هرمنوتیک درباره اولیاء خدا صدق نمی‌کند؛ خداوند در مورد آنها می‌فرماید: &#171;#171;یستمعون القول فیتبعون احسنه&#171;؛ آنها مکاتب مختلف را تجربه می‌کنند و عقاید آنها را می‌آزمایند و سپس بهترین آنها را انتخاب می‌کنند و به کار می‌بندند. آنها در هنگام استماع و داوری، عقاید محبوب خود را دخالت نمی‌دهند و کاملاً بدون پیشداوری با این مکاتب برخورد می‌کنند تا بتوانند حق را بپذیرند؛ چون اولیاءالله دارای خطای هرمنوتیکی نیستند.&#171;#171;

حجت‌الاسلام علی بهجت، فرزند آیت‌الله بهجت که بنا به خواست پدرش در زمان حیات ایشان، از شرکت در چنین مراسمی که برای بزرگداشت مقام او برگزار می‌شد، منع شده بود نیز از زندگی ایشان و نشانه‌هایی که از گذشته در آن بوده، نکاتی را نقل کرد و به سوالات مردم در این باره پاسخ داد.

&#171;#171;نشانه‌هایی پیش از تولد آیت‌الله بهجت و در دوران کودکی ایشان وجود داشته است که می‌شود گفت خبر از شخصیت و مقام آینده ایشان می‌داده است. البته ایشان هیچ‌گاه صحبتی از این اتفاقات نمی‌کردند و اصرار بر پنهان نگه‌داشتن این اسرار داشتند؛ تنها گاهی می‌شد از میان صحبت‌هایشان، نکته‌هایی درباره این وقایع شنید و راهی برای آگاهی از این حقایق برای ما وجود نداشت. من به دلیل اینکه از امتناع ایشان برای پاسخ دادن به سؤالاتی درباره این وقایع خبر داشتم، برای پرسیدن چنین جریاناتی از ایشان، بسیار احتیاط می‌کردم و به‌طور مثال، 15 سال در فکر پرسیدن یک سؤال از پدرم بودم و پاسخی که نهایتاً ایشان به من دادند، یک پاسخ اجمالی و ناتمام بود.&#171;#171;

استاد فاطمی‌نیا هم در بخشی از سخنانش درباره شیخ محمدتقی بهجت، او را مجتهدی کامل در علوم رسمی نامید که در این علوم، شاگرد کسی مثل آقا شیخ حسن غروی اصفهانی بوده است.

او صحبت‌هایش را اینطور ادامه داد: &#171;#171;شیخ محمد تقی بهجت در علوم باطنی سلطانی بود و به این دلیل سلطان بود که فقط محبوب را دوست داشت و هیچ‌چیز دیگری غیر از او نمی‌دید. اما الامان از اینکه کسی اینها را می‌دانست. در افراد مادون معصوم کسی که از او خارق‌العاده سر می‌زند بر 2 قسم است. اگر نتیجه استقامت باشد، آن کرامت است و اگر نتیجه استقامت نباشد، ممکن است مکر باشد. مایه هر چیزی عبودیت است. ایشان از عبودیت به اینجا رسید. در علوم رسمی مجتهد بود و در علوم باطنی به خاطر عبودیتش برای خودش سلطانی بود. پروردگار در ایام عمر هر انسانی نسیم‌هایی به طرف او می‌فرستد.

نسیم الهی مبدأ میل انسان را عوض می‌کند. یکی از همین نسیم‌ها به حر خورد. پیامبر اکرم(ص) می‌گوید در مسیر این نسیم‌ها بنشینید. بعضی‌ها در مسیر این نسیم‌ها می‌نشینند و صفای روحانیت پیدا می‌کنند؛ صفای روحانی که پیدا شد به محبت می‌رسند و بعد به فقر، دو نوع فقر؛ فقر مطلق و فقر مقید. اگر کسی به فقر مطلق برسد دیگر دستش خیلی باز است.&#171;#171;

همشهری آنلاین- ریحانه سادات هاشمی